

بررسی انتقادی دیدگاه مینورسکی درباره اهل حق و سیرا اعتقادی آن در دائرة المعارف اسلام (EI2)

سید قاسم رزاقی موسوی^۱

چکیده

اهل حق یک مذهب باطنی شناخته می‌شود که معتقدان آن بیشتر در غرب ایران زندگی می‌کنند. عقایدشان آمیخته‌ای از اعتقادات «مانوی»، ادیان کهن «ایرانی»، مذهب «اسماعیلی»، «تناسخ هندی» و دیگر ادیان سری است. با وجود جایگاه خاص خاورشناسان در مراکز علمی و توجه آنها به این فرقه، این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال است که چه نقدهای بر دیدگاه و روش پژوهشی ولادیمیر مینورسکی در معرفی فرقه اهل حق در دائرة المعارف اسلام لیدن (EI2) وارد است؟ این نوشتار با بهره‌گیری از شیوه توصیفی تحلیلی، به بررسی انتقادی مقاله اهل حق در تبیین تاریخی فرقه، سیر تحولات اعتقادی آن و روش پژوهشی مؤلف پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نویسنده در بررسی این فرقه از شیوه «پدیدارشناسی» بهره برده و با رویکرد هم‌گرایانه به جای رویکرد انتقادی تاریخی، دگرگونی اعتقادی این فرقه و کارکرد آموزه‌های دینی آن را مورد بررسی قرار داده اگرچه در مواردی مانند گونه‌های اهل حق و برخی معتقدات آنها کامل نبوده اما توانسته تصویری مطابق با گزاره‌های منابع از این فرقه ارائه نماید.

واژگان کلیدی: مینورسکی، اهل حق، علی‌اللهی، تصوف، تناسخ و غلو.

مقدمه

فرقه اهل حق از فرقه‌هایی است که به دلیل عقائد خاص و باطنی بودن، مورد توجه پژوهشگران بوده و از جنبه‌های مختلف به آن پرداخته‌اند. فیلیپ کرین بروک در دو مقاله «یزیدیان و اهل حق کردستان» (فیلیپ کرین بوک، ۱۳۸۸ ش ۴۲) و «سه نحله یزیدی»، (فیلیپ کرین بروک، ۱۳۸۲، ش ۶۰) وضعیت اهل حق در کردستان را مورد بررسی قرار داده، با بیان ریشه‌های مشترک این فرقه‌ها، عقائد، شرایط زیست اجتماعی و برخی دشواری‌های پیروان این فرقه‌ها را بررسی نموده است. روحانی نژاد در مقاله «اهل حق در آیین حقیقت» ریشه‌های اعتقادی، مناسک و آداب این فرقه را در مقایسه با عقائد یهود، مجوس، مانویت و برخی فرقه‌های اسلامی مانند صوفیه، دروزیه، نصیری و علویان مورد بررسی تطبیقی قرار داده است. (روحانی نژاد، ۱۳۸۵ ش ۳۹ ص ۱) رستمی و همکاران به بررسی انتقادی سیرتکامل انسان از نگاه آیین اهل حق پرداخته (رستمی و همکاران، ۱۴۰۱ ص ۱) و اسطوره‌های بنیادین این فرقه توسط مزدک توسلی و فاطمه لاجوردی مورد پژوهش قرار گرفت. (مزدک توسلی و لاجوردی فاطمه، ۱۳۹۹ ص ۱) مراد اورنگ پس از بررسی زندگی نامه بزرگان و پیشینیان اهل حق، در مقاله «کتاب دینی اهل حق» سرچشمه‌های عقائد و احکام در این فرقه را مورد پژوهش قرار داده (مراد اورنگ، ۱۳۵۶ ص ۱) حشمت الله طبیبی در مقاله اهل حق به بعضی عقائد آنها پرداخته و مسلمی زاده در مقاله «بررسی و تحلیل آیین فرقه اهل حق» به بررسی خاستگاه و اصول اعتقادی این فرقه، تجلی هفتگانه، تناسخ، آیین‌ها و رسوم این فرقه پرداخته است. (محبوبه مسلمی زاده، ۱۳۹۳ ش ۲۰) کتاب «بیست مقاله مینورسکی»، مقاله هیجدهم با عنوان اهل حق، کتاب «سه گفتار تحقیقی در آیین اهل حق» که سومین گفتار از مینورسکی در همین موضوع است و کتاب «یادداشت‌هایی در مورد طایفه اهل حق» از مینورسکی ترجمه دکتر سیاوش تیموری و ترجمه مقاله گوران مینورسکی توسط خانم سلطانی نیز از دیگر آثار در این موضوع می‌باشند. با وجود این نمونه‌ها، دیدگاه و شیوه پژوهش خاورشناسان درباره موضوع کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته، تنها جهانبخش ثواقب و همکاران در «ملاحظات انتقادی در باب نگرش سیاحان خارجی دوره قاجار به آیین یارسان»، دیدگاه بعضی خاورشناسان در دوره قاجار را مورد بررسی قرار دادند (جهانبخش ثواقب و همکاران،

۱۳۹۶ صص ۱۵-۳۲) و این پژوهش به منظور جبران این کاستی به بررسی و نقد مقاله «اهل حق» در دائرة المعارف اسلام لیدن (EI2) که از منابع مهم و مرجع پژوهشی به شمار می آید، پرداخته است.

تاریخ فرقه در مقاله اهل حق

مینورسکی^۱ در مقاله دائرة المعارفی^۲ اهل حق را یک دین مخفی می داند که عمدتاً در غرب ایران رواج دارد. وی براساس برداشت خود از وضعیت پیروان این فرقه و تشابه با برخی فرق دیگر، نام اهل حق را برای پیروان امروزی آن مناسب نمی داند البته آن را شایسته برای مؤسسان مذهب می داند. هم چنین نام «علی الهی» برای این فرقه را از آن جا که علی علیه السلام چهره اصلی در دین اهل حق نیست، مناسب برای این فرقه نمی داند. علاوه بر آن که اصطلاح «علی الهی» نیز به فرقه‌هایی اطلاق می شد که با اهل حق در ارتباط اند در حالیکه هنوز این فرقه تأسیس نشده بود. (Minorsky, 1986, vol1.p260)

مینورسکی سپس در تبیین تاریخ مذهبی آنان معتقد است اهل حق گنجینه‌ای از افسانه‌هایی را در اختیار دارند که بر اساس جلوه‌های الوهیت مرتب شده اند و به «سرانجام» معروفند. تاریخ مذهبی اهل حق در پنج دوره متمایز است؛^۱ «خاوندگار»؛ تنها از نظر افسانه‌های مربوط به خلقت عالم وجود جالب است^۲ «دوره علی»؛ که برای تبیین آن از شیعه افراطی الهام می گیرند^۳ «دوران خوشین»؛ یکی از فرشتگانش باباطاهر در نواحی لرزشین است که رباعیاتش به گویش

۱. ولادیمیر فدورویچ مینورسکی، شرق شناس و ایرانشناس روسی و استاد دانشگاه لندن است. برخی از آثار او عبارتند از: کردها نوادگان مادها؛ ایران دین و تاریخ آن؛ عوامل جغرافیایی در هنر ایران؛ حماسه ملی ایرانیان؛ مقدمه قدیم شاهنامه؛ فرقه اهل حق؛ تذکره الملوک؛ رساله‌ای در باب دستگاه‌های دیوانی و تأسیسات و بنیان‌های اداری دولتی در عهد صفویه؛ اصلاحات اراضی در عهد آق قویونلو.

۲. این مقاله از مداخل دائرة المعارف اسلام لیدن هلند (EI2) است. ویراست اول این دانشنامه در بین سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۸ در پنج جلد در سه زبان انگلیسی، آلمانی و فرانسوی با حمایت انجمن فرهنگستان‌ها توسط انتشارات بریل در لیدن هلند به چاپ رسید. تألیف ویرایش دوم که این مقاله از این ویراست برگرفته شده است، با عنوان ویرایش جدید و بدون عنوان فرعی، فقط به زبانهای انگلیسی و فرانسه، از ۱۳۳۳/۱۹۵۴ش شروع شد و ابتدا هر جلد در قالب جزوه‌هایی و پس از تکمیل، به صورت مجلد منتشر گردید. انتشار مجموع مجلدات ویرایش دوم د. اسلام بیش از چهل سال به درازا کشید. ویرایش سوم د. اسلام از ۲۰۰۷/۱۳۸۶ش آغاز شد و زیر نظر چهار سرویراستار؛ گودرون کرمر، اورت راوسون، جان ناواس و دنیس ماترینگ و قرار بود ظرف پانزده سال به پایان برسد (د. اسلام، چاپ سوم، ج ۱، مقدمه، ص ۷، vi؛ نیز ۷ دایره المعارف اسلام، چاپ سوم، ۲۰۱۲).

لری بازگو می‌شود (۴) «دوره سرزمین گوران»؛ نزدیک به رودخانه‌ی «سیروان» به وجود می‌آید و گفتار منسوب به «سلطان سحاک» به زبان گورانت، زبان مقدس اهل حق بیان می‌شود و (۵) «دوره آذربایجان»؛ کلام‌های مربوط به این دوره به زبان ترکی آذری بیان می‌شود. با اشاره به بزرگترین پرستشگاه این فرقه «بابا یادگار» و «پردیور» به سیر تحولات مذهبی در این دوره‌ها می‌پردازد و البته تصریح دارد دستیابی به تاریخ دقیق دشوار است. با اشاره به دوازده خاندان اصلی یا سلسله اهل حق، به شرح اصول اعتقادی آنان پرداخته و نکته اصلی در اصول اعتقادی را مسئله تجلیات پیاپی الوهیت می‌داند که جلوه‌های خداوند با کسوت‌های الوهیت مقایسه می‌شوند و مؤلف به شرح مفصل گونه‌های تجلی و ویژگی‌های آن، نقش ملائکه به عنوان وزرا برای الوهیت، می‌پردازد. در تبیین اعتقادات اهل حق به مسئله تناسخ و معادشناسی آنها پرداخته و اعتقاد به بازتجسم جلوه‌های خداوند در این فرقه را با تناسخ مصداق‌یابی نموده و به نمونه‌هایی از آن در منابع اهل حق اشاره می‌کند و در تکمیل این اعتقاد بیان می‌کند اهل حق مشتاقانه در انتظار ظهور صاحب الزمان هستند که خواهد آمد تا آرزوی دوستان را تحقق بخشیده و کائنات را احاطه کند. سپس به آیین و مناسک اهل حق مانند عبادت فردی، جلسات ذکر، خیرات و قربانی و نذر و نیاز، سرسپردگی، پیوندهای ویژه مرد و زن (شرط اقرار) و روزه گرفتن و تفاوت‌های گروه‌های مختلف در این مناسک اشاره می‌کند. (Minorsky, 1986, vol1, p260)

مؤلف به رساله فرقان الاخبار نوشته حاجی نعمت‌الله جیحون آباد (۱۸۷۱-۱۹۲۰م) متعلق به شاخه خاموشی^۱ اشاره دارد که معتقد است زمان آشکار شدن حقیقت واقعی فرا رسیده و سنتی را متفاوت از شاخه آتش‌بیگی^۲ بیان می‌کند که هیچ اشاره‌ای به دوره‌های هفتگانه ننموده و جایگاه ویژه‌ای

۱. خاندان خاموشی یکی از خاندان‌های یازده گانه آیین یارسان است. بنا بر دستور سلطان سهاک، سازمان دهنده این آیین، هر فرد یارسان می‌باید به یکی از خاندان‌های یازده گانه سرسپرده و از این خاندان‌ها برای خود پیر و دلیل انتخاب کند. نسب خاندان خاموشی به سید ابوالوفا می‌رسد که در آیین یارسان یکی از هفت فرزند سلطان از مادری به نام خاتون بشیره است که به هفت‌توانه موسوم هستند. (آزادی، علی محمد، آشنایی با عقاید و آداب و رسوم دینی اهل حق در استان کرمانشاه، ص ۲۴).

۲. یکی از خاندان‌های یازده گانه اهل حق اند که افزون بر جای داشتن در میان باورداشته‌های اهل حق، در بنیاد باورها بر مذهب شیعه دوازده امامی بوده، می‌کوشند تا با پیمایش لایه‌های اخلاق و عرفان از راه ویرایی

برای خوانندگان و سلطان سحاک حفظ می‌کند. سپس به شرح اجمالی بخش‌های چهارگانه فرقان شامل ۱. اصول بنیادی حقیقی ۲. تناظر حلول روح خدا ۳. تجارب شخصی نعمت الله و دستورات وی طی سفر به ماوراء ۴. توصیف کامل مراسم و مناسک می‌پردازد.

در ادامه مینورسکی پراکنندگی جغرافیایی اهل حق و مراکز اصلی حضور آنان در غرب ایران در لرستان، کردستان، آذربایجان، گروه‌های کوچکی در همدان، تهران، مازندران، فارس و خراسان و هم‌چنین در عراق در میان طوائف کرد و ترکمن منطقه کرکوک، سلیمانیه و موصل می‌داند. وی اشاره دارد که اطلاعات چندانی درباره ارتباط بین اهل حق و فرقه‌های معروف به «علی‌اللهی» یا اصطلاحات متضادی مانند «چراغ خاموش کن»، «خروس کشان» و غیره در دست نیست. (Minorsky, 1986, vol1.p262)

در پایان مقاله به عناصر نظام مذهب اهل حق پرداخته و آن را تلفیقی می‌داند و معتقد است در مبانی اعتقادی آن افراط‌گرایی شیعه قابل مشاهده است و از آن جاکه همواره از ۱۲ امام سخن می‌گویند نباید عقائد آنان را به فرقه اسماعیلیه مرتبط دانست، اگرچه در پرستش علی علیه السلام با فرقه دروزیه^۱ و نصیرییه^۲ وجه اشتراک دارد. عنصر اصلی دیگر در

(تمرکز) بر آموزه‌های امام علی به حقیقت دست یازند. (اردشیر منظمی، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، خاستگاه و جایگاه مسلک آتش بیگی، ش ۱۲ زمستان ۱۳۹۸ ص ۱۶۸)

۱. فرقه دروزیه که در حقیقت انشعابی از مذهب اسماعیلیه است، در اوایل قرن پنجم قمری و با حمایت‌های ششمین خلیفه فاطمی، «الحاکم بامر الله» در مصر به وجود آمد. و امروزه اکثراً در کشور لبنان سکونت دارند. برخی از باورهایی که به این گروه نسبت داده می‌شود، برخلاف معتقدات اسلامی است، از جمله: الف. الوهیت حاکم بامر الله؛ ب. اعتقاد به تناسخ و حلول؛ ج. عدم ایمان به نبوت و پیامبران. بر این اساس آنها از شیعیان نبوده و فقهای شیعه ازدواج دختر شیعه با آنان را جایز نمی‌دانند و اگر انتساب موارد فوق به آنان صحیح باشد، آنان از مسلمانان نیز به شمار نخواهند آمد. البته، برخی رهبران فعلی این طایفه، چنین انتساباتی را نپذیرفته و خود را معتقد به خدای واحد و پیامبر اسلام (ص) می‌دانند که در این صورت، از مسلمانان به شمار خواهند آمد. (ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، ص ۳۱۴، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش). (این منبع درجه اول نیست؛ این منبع مستند مطلبی در زیرنویس درباره وضعیت امروزی فرقه دروزیه است از کسی که متخصص فرقه شناسی است ادعائی به عقائد اولیه پیروان فرقه مطرح نشده که از منابع اولیه آدرس بدهیم)

۲. فرقه نصیرییه یا نصیرییه منتسب به محمد بن نصیر الفهری نصیری بصری از اصحاب امام حسن عسگری (علیه السلام) است که بعد از شهادت ایشان مدعی وکالت و نیابت از امام زمان (عجل الله فرجه الشریف)

شکل‌گیری اهل حق را مناسک دراویش صوفی، انتخاب پیر، عشق الهی با ذکر و توزیع غذا، پیوندهای برادری می‌داند و از نظر اجتماعی پیروان این مذهب را طبقات پایین جامعه، چادرنشینان، روستائیان، ساکنان محله‌های فقیرتر و دراویش شکل می‌دهند. (Minorsky, 1986, vol1.p263)

بررسی و نقد کلیت مقاله

مینورسکی در این مقاله با بهره‌مندی از منابع مختلف به تصویرگری از فرقه اهل حق پرداخت که میزان موفقیت وی در این مقاله و نقاط قوت و ضعف آن در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

ارائه تصویری مطابق با منابع

شاید بتوان یکی از ویژگی‌های مهم مقاله را ارائه تصویری مطابق با منابع اهل حق مانند «حق الحقائق» و «نامه سرانجام» و «اهل حق پیروان و مشاهیر» دانست که در ادامه برخی مستندات آن آمده است. مروری بر کلیت مقاله نشان از موفقیت اجمالی نویسنده دارد چراکه وجوه لازم برای معرفی یک فرقه مانند بررسی سیر تاریخ مذهبی و اجتماعی فرقه، تبیین اصول اعتقادی و شرح مناسب اعتقادات آنها، پرداختن به مناسک، شعائر و برخی آداب و رسوم اهل حق و پراکندگی جغرافیایی این فرقه را در نظر داشت و برخی از آنها را به تفصیل پرداخته است. وی با بررسی اولین موضوع درباره نام فرقه و متناسب بودن آن، بحث را آغاز نموده، بدلیل تشابه با اهل حقیقت در اصطلاح صوفیه و هم‌چنین از آن جاکه این عنوان توسط حروفی‌ها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، آن را نام کاملی نمی‌داند. علاوه بر این به نکات پیرامونی آن نیز توجه داشته با تحلیلی نام «علی‌اللهی» را مناسب برای این فرقه نمی‌داند و معتقد است علی‌علیه السلام چهره اصلی در مذهب اهل حق نیست و این نام بیشتر توسط دیگران برای آنها به کار

شد. ولی به دلیل ابراز عقاید الحادی چون تناسخ و غلوآمیز (با نامه امام حسن عسگری (علیه‌السلام) و امام زمان (علیه‌السلام)) رسوا شد. سپس ادعی نمود که او فرستاده خداوند است و از جانب امام هادی (علیه‌السلام) فرستاده شده است و منکر امامت امام حسن (علیه‌السلام) و امام زمان (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف) شد و بعد از این مدعی ربوبیت شد و به اباحه‌گری روی آورد. (این مطلب مستند نشده است.)

رفته است. (کنت دوگوبینو، سه سال در ایران، به نقل از کتاب سرسپردگان ص ۹۴) شاید علت این برداشت از سوی نویسنده، جدول اسامی بیست و هشت تن از بزرگان اهل حق در سه مقام باشد که براساس کتاب شاهنامه حقیقت تنظیم گشت و نامی از امیرالمومنین علی علیه السلام در آن نیست (سید محمدعلی خواجه دین، سرسپردگان، ص ۲۸). ولی باید توجه داشت که منابع اهل حق آن حضرت را آغازگر دوره ای میدانند که بنابر عقیده آنان آیین حقیقت ظاهر شد. (سید محمدعلی خواجه دین، سرسپردگان، ص ۲۷)

بررسی اعتقاد اهل حق درباره علی علیه السلام در منابع نشان می‌دهد که آنان مانند سایر غلات در این اندیشه اساسی شریک اند که خداوند در صورت انسان ظهور می‌یابد و ظهور خدا را در وجود حضرت علی (ع) می‌دانند اگرچه این ظهور منحصر به وجود حضرت نیست و معتقدند که در دیگران نیز می‌تواند تجلی داشته باشد. حضرت محمد (ص) به الوهیت حضرت علی (ع) آگاه بود؛ اما به خواست وی این سر را فاش نکرد و علی (ع) مظهر ذات الهی است و حضرت محمد (ص) مظهر صفات الهی، لیکن هر دو اصل و گوهر واحد دارند. (جیحون آبادی، ۱۳۶۱: ۲۰۳-۲۰۵) از این رو معتقدند که منظور از معراج معرفت پیامبر به مظهر حق و حقیقت امیرالمومنین بود و به سفر جسمانی معتقدند نه روحانی. (حشمت الله طیبی، ۱۳۴۹: ۱۵۴۴) واژه حق به حساب ابجد یکصد و هشت است و با دو نقطه کلمه حق یکصد و ده است و نام علی علیه السلام نیز به حساب ابجد یکصد و ده است، بنابراین اهل حق یعنی اهل علی (علیه السلام). (روحانی نژاد، ۱۳۸۵، ش ۳۹، ص ۱۶۶) آن چه تحلیل مینورسکی را تقویت می‌کند این مطلب است که شاید از میان تمامی مظاهر الهی برای اهل حق، سلطان اسحاق برجسته تر و مهم تر باشد، زیرا اینان نه تنها هویت دینی و اعتقادی، بلکه پیوند اجتماعی و وحدت فرقه ای و قومی خود را هم از او گرفته‌اند. البته درباره حضرت علی (ع) هم از تعظیم و تکریم بسیار خودداری نمی‌کنند تا آن جا که بنا بر سنت و عادت دیرین خود، هنگام برخورد با یکدیگر، به جای سلام «یا علی» می‌گویند و همچنین معتقدند پیش از وقوع آخرالزمان جنگ‌های عظیمی در خواهد گرفت که در آن علی (ع) که برترین تجسم خداوند است، ظهور

و حضور خواهد داشت. (قاضی، ۱۳۶۲: ۷۹) مینورسکی از بررسی تاریخ مذهبی این فرقه نیز غافل نبوده و شرح مناسبی از سیر تاریخی این مذهب، منزلت و جایگاه اجتماعی، پراکندگی جغرافیایی و بزرگترین پرستش‌گاه‌های آن ارائه نموده است.

بررسی تحلیلی-انتقادی اصول اعتقادی

بررسی تحلیلی- انتقادی اصول اعتقادی اهل حق توسط مؤلف نیز در این مقاله صورت گرفته که ضمن شرح عقائد به زمینه‌ها، چرایی و پیامدهای آن نیز می‌پردازد. در این راستا می‌توان به موارد زیر اشاره داشت؛

- مؤلف با آگاهی از منابع مطالعاتی و وضعیت فرقه، دو مشکل اساسی در شناخت فرقه مطرح نموده است؛

۱. موضوع مخفیانه بودن منابع و ایشان صحت اطلاعات و منابع اهل حق را محل تأمل دانسته و روش قابل اعتماد توصیف فرقه را بر اساس منابع اولیه معتبر می‌داند که با مطالبی از روایت مسافران، تکمیل می‌شود و مشکلات این کار را ناشی از محدودیت متون موجود می‌داند که غالباً با گویش و درج با اصطلاحات و واژگان انتزاعی همراه است. گواه بر این مشکل را می‌توان در اعتراف برخی محققان دانست که در پژوهش‌های خود به پنهان بودن منابع و دشواری دسترسی پژوهشگران به منابع اهل حق اشاره داشتند. (اورنگ، ۱۳۵۶: ۴۶۶)

۲. همچنین برخورداری از زیر مجموعه‌های بیشمار و نداشتن وحدت رویه متعارف را از دیگر مشکلات برای شناخت فرقه می‌داند و آنها را بیشتر شبیه فدراسیون جنبش‌های مرتبط تصور می‌کند. (Minorsky, 1986, vol1, p260)

البته با وجود این مشکلات پژوهشگران به پژوهش درباره اهل حق پرداخته و آنها را از نظر اعتقادی به سه دسته تقسیم می‌کنند؛ بخشی از آنها شیطان پرست هستند و شیطان و خوک را مقدس می‌شمارند، گروه دیگر موسوم به علی‌اللهی هستند و به حضرت علی (ع) و دیگر بزرگان خود مقام الوهیت می‌دهند و گروه سوم، مسلمان و دارای مذهب امامی اثنا عشری هستند،

(جمعی از نویسندگان دایره المعارف تشیع، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۶۱۳). اما مینورسکی در بررسی این فرقه در دائرة المعارف اسلام برخلاف نظر پژوهشگران به تفکیک بین گروه‌های اهل حق اعتقادی نداشته و همه گروه‌های این فرقه را مسلمان می‌داند و با اشاره به خاندان‌های ۱۲ گانه اهل حق، اختلافات منابع در ثبت جزئیات آنها و جایگاه خاصشان (صفی زاده، ۱۳۷۵: ۲۸-۲۴) به بررسی تفصیلی اصول اعتقادی آنها پرداخت. البته اهل حق از جمله آیین‌های منحصر به فردی است که افزون بر آموزه‌های دینی و عرفانی، باورهای و اسطوره‌ها و مناسک ویژه خود دارد که در باور یارسان جایگاه ویژه‌ای دارند، چهار فرشته مقرب ادیان ابراهیمی در این جا تنبور می‌نوازند، بهلول اشعاری به کردی می‌سراید و حکمای یونان باستان، پادشاهان ایران و چین و شعرای برجسته در کنار انبیا و اولیاء الهی جای می‌گیرند. (توسلی، ۱۳۹۹: ۲۵) تحولات فکری این فرقه از نگاه محققان دور نمانده و اندیشه آنها از تفکر بانیان اولیه آنها که اندیشه‌ای شبیه به کیسانیه داشته و دو جهره مذهبی و آیینی خود (محمد حنفییه و مختار ثقفی) را برجسته نمودند تا گرایش به امامیه بعد از سلطان اسحاق و باور به دوازده امام در برخی متون آیینی آنها را مورد بررسی قرار دادند. (رستمی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۷۰).

- مؤلف در بررسی اصوف اعتقادی این فرقه به نکته‌ای اشاره دارد که مهم بوده و به نوعی وجه ممیزه این فرقه از دیگر فرقه‌های شیعی می‌باشد و آن مسئله جلوه‌های پی‌درپی الوهیت است که هفت عدد بوده و جلوه‌های خداوند با کسوت‌های الوهیت مقایسه می‌شوند و در تحلیل مسئله‌ی حلول یافتن، آن را به پوشیدن جامه مقایسه نمود که در هر موقعیت با چهار یا پنج ملانکه (پاران، ملک) که با آنها ارتباط تنگاتنگی دارد، ظاهر می‌شود. و این نکته از ممیزات این فرقه به شمار آمده و مسئله حلول در دیگر فرقه‌های شیعی مطرح نیست. مینورسکی حتی به جدول زمانی جلوه‌های ظهور و به چهار مرحله آن پرداخته که شامل مرحله ازل بود و الوهیت در مروارید یا دُرّ محصور بود و اولین بار در قالب شخص «خاوندگار» خالق جهان و بار دوم به شکل «آل» تجسم یافت. از نکات جالب توجه در مقاله مینورسکی تطبیق چهار دوره اول با مراحل دانش دینی؛ شریعت، طریقت، معرفت و حقیقت انطباق داده و حاصل

آن با به گونه ای بیان می‌دارد که بالاترین نماینده از نظر کلیه‌ی شاخه‌های این فرقه سلطان سحاک است و وی را نماینده‌ی آخرین و بالاترین مرحله یعنی مرحله حقیقتو از مظاهر انوار می‌دانند اگرچه اختلاف نظرهایی درباره جانشینان سلطان سحاک وجود دارد. (Minorsky, 1985, vol1, p260) و این مسئله با مراجعه به منابع اهل حق و دیگر پژوهش‌ها نیز تأیید می‌شود. (شاهنامه حقیقت، نعمت الله جیحون آبادی، ۱۳۶۱، ص ۳۱۸؛ نامه سرانجام، صدیق صفی زاده، ۱۳۷۵ش، ص ۱۹۵. ارزش میراث صوفیه، دکتر عبدالحسین زرزکوب، ص ۱۱۸)

- بررسی موضوع جایگاه ملائکه و دیدگاه‌های مختلف درباره آنها از دیگر موارد تحلیلی مؤلف در این مقاله به شمار می‌آید. وی براساس اطلاعات منابع با اشاره به بازتجلی ذات الهی، ملائکه را تجسم یکدیگر دانسته و علت تغییر نام آنها را همین موضوع می‌داند که اغلب در دوره‌ی «سلطان سحاک» از سلمان یا بنیامین سخن به میان می‌آید. به اختلاف منابع اهل حق درباره تعداد ملائکه اشاره داشته و دیدگاه‌های مختلف درباره نقش ملائکه در این آیین مطرح می‌کند که براساس اطلاعات منابع تعداد آنها را سه تا پنج ملک می‌داند. (Minorsky, 1985, vol1, p26) یکجا آنها را تجلی الوهیت می‌داند و به اختلاف نسخه‌ها در گونه‌های تجلی می‌پردازد در گامی دیگر نقش وزیر الهی برای ملائکه بیان نموده که بنیامین قائم مقام و پیر است، داود ناظر و داور، موسی وزیر ثبت خیر و شر، مصطفی دودان (=نصیر) فرشته‌ی مرگ است و وظیفه ویژه نظارت بر عبادت را به فرشته‌ی پنجم محول می‌شود. نام نمادین آن «رزبار» است که اسرار به او سپرده می‌شود و نام عرفانی «خاتون دایرک»، مادر سلطان سحاک است. (Minorsky, 1985, vol1, p26)

- از مهمترین نکات اعتقادی در مباحث کلامی اهل حق که مورد انتقاد دیگر شیعیان هست مسئله تناسخ و معادشناسی اهل حق است که معتقدند بازتجسم جلوه‌های خداوند با تناسخ مصداق می‌یابد و مینورسکی به این مسئله اعتقادی پرداخته و برخی جزئیات را مطرح نموده است اما به اصل مسئله اختلافی بودن و متمایز بودن این اعتقاد اهل حق با دیگر فرقه‌های شیعی، آن گونه که باید نپرداخته است. وی نمونه‌هایی از عبارات متون اهل حق را آورده و در بررسی بیشتر متذکر می‌شود اعتقاد به بازتجسم جلوه‌های خداوند با اعتقاد

کلی به تناسخ مصداق می‌یابد. ای انسان‌ها از مجازات مرگ نترسید، مرگ انسان به مثابه شیرجه مرغابی است. وی به نقل از منابع اهل حق ادامه می‌دهد انسان‌ها باید ۱۰۰۱ دور حلول روح خدا را در انسان پشت سر بگذارند، که در جریان آن، پاداش اعمال خود را دریافت کنند و طبق آیات فرقان امکان تزکیه و دستیابی به زندگی در دوره جدید ذاتاً بر حسب ماهیت موجودات محدود است. بعضی که از گل زرد خلق شوند خیر و دیگران که از خاک سیاه خلق شوند، شر هستند و افراد سیاه‌دل هیچ‌گاه خورشید را نخواهند دید. (I Minorsky, 1985, vol1, p26) و این نکات که مینورسکی اشاره دارد را می‌توان در منابع اهل حق یافت. (برای مطالعه بیشتر رک: جیحون آبادی، ۱۳۶۱: ۱۱۳) منابع و پژوهش‌های متأخر که توسط پیروان نصیری به نگاشته شده نیز بر این مسئله تأکید دارند که اعتقاد به تناسخ از اصول اولیه همه گروه‌های اهل حق بوده و هم‌اکنون نیز به آن معتقد هستند. (چهاردهی، ۱۳۶۹: ۱۹۶ و ۲۱۸) یکی دیگر از پژوهشگران نیز تناسخ و حلول را از اصول مهم عقائد اهل حق دانسته و معتقد است پایه و اساس این آیین به شمار می‌آید. (خواجeh الدین تبریزی، ۱۳۴۹: ۱۲) اساس مذهب اهل حق بر مفهوم «دونادون» یا همان تناسخ بنا شده و نویسندگان متون یارسان تمایل دارند این اندیشه را به خوانندگانشان بقبولانند که برخی بزرگان اهل حق در ادواری از تاریخ، دُن پادشاهی کیانی ایرانی و زمانی دیگر از پهلوانان شاهنامه بودند. (I Minorsky, 1985, vol1, p26) برای مطالعه بیشتر رک: ابوالبشری، ۱۳۹۳: ۷۳) همچنین به نظر می‌رسد اهل حق همان الگوی اوتارا در دین هندو را برای موسسان مذهب خود برگزیده و بزرگان فرقه مذکور در عین تناسخ‌های متعدد، حلول خداوند را نیز به طور هم‌زمان تجربه کردند. (ابوالبشری، ۱۳۹۳: ۷۴) این مسئله را میتوان در حلول هرکدام از بزرگان اهل حق می‌توان یافت. (جیحون آبادی، شاهنامه حقیقت، صص ۱۲۰، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۵۴...) این مستندات نشان از درستی شناخت مینورسکی در تبیین عقیده به تناسخ در مذهب اهل حق دارد.

- مینورسکی سپس به مقایسه مذهب اهل حق و تعالیم آن با دیگر عقائد مشابه می‌پردازد. وی معتقد است در مبانی اعتقادی این فرقه افراط‌گرایی شیعه مشاهده می‌شود و از آن جاکه اهل

حق از ۱۲ امام سخن می‌گویند نباید آنها را حداقل مستقیماً با فرقه اسماعیلیه مرتبط دانست. طبق فرمان «مذهب حق» مطالبی از قرآن را حذف و نظام دینی جداگانه‌ای نوشتند که انحراف آشکاری از شیعه رسمی دارد. وی هم‌چنین مذهب اهل حق را در پرستش علی علیه السلام با مذاهب دروز و نصیرییه مشترک دانسته با این تفاوت که علی علیه السلام در این مذهب تحت الشعاع سلطان سحاک قرار می‌گیرد. عنصر دیگر در شکل‌گیری اهل حق را مناسک دراویش صوفی؛ انتخاب پیر، عشق الهی با ذکر و توزیع غذا و پیوندهای برادری می‌داند و یا اعتقاد به اسراری پنهان که باید توسط پیروانشان رعایت شود و به «قباله سرمگو» یا «قباله هیجده هزار عالم» معروف است. (حشمت الله طیبی؛ ۱۳۴۹: ۱۵۴۴) در بیان جایگاه این فرقه معتقد است از نقطه نظر اجتماعی مذهب اهل حق توسط طبقات پایین، چادرنشینان روستائیان و ساکنان محله‌های فقیر حمایت می‌شود و از این جاست که احتمالاً امید به مجازات سلاطین در روز قیامت مطرح می‌شود. این دیدگاه مینورسکی درباره عقائد مشترک اهل حق با سایر گروه‌ها و فرق مورد پژوهش‌های محققان نیز می‌باشد و برخی معتقدند که اهل حق ممزوجی از عقائد چند دین است و تصوف و حکمت اشراقی را با عناصری از یهود، مجوس، مانویه، تعالیم شیعه و غالیان به ویژه دروزیه و نصیرییه درهم آمیختند. (مسلمی زاده، ۱۳۹۳: ۳۰) و با وجود اینکه اهل حق در اساس از آغاز فرقه اسلامی به حساب می‌آید با برخی معتقدات کهنتر آمیخته اند و حیات دینی قوم بر همان طریق مبتنی است. (کرین بروک، ۱۳۸۲: ۵۵)

- مسئله انتظار و دیدگاه اهل حق به ظهور صاحب الزمان از دیگر نکاتی است که مؤلف به آن توجه داشته و بیان می‌کند که مشتاقانه در انتظار ظهورند تا آرزوها را تحقق بخشیده، کائنات را احاطه کند و بشر را از زشتی‌ها و تاریکی‌ها نجات دهد. (قاضی، ۱۳۶۶: ۱۱۳) در بررسی بیشتر دیدگاه اهل حق را آورده که پهنه روز قیامت دشت شهرزور یا سلطانیه خواهد بود که سلاطین نابود خواهند شد و طبق فرقان نیکوکاران به بهشت که حسن و جمال و صاحب جود و سخاوت است وارد می‌شوند در حالیکه بدکاران نابود و معدوم خواهند شد. (IMinorsky, 1985, vol1, p26) اگرچه جاداشت مؤلف به نقد این دیدگاه نیز پرداخته و اینکه

سزای بدکاران فقط معدوم شدن باشد با عدالت الهی سازگار نیست و با بررسی تطبیقی با اندیشه اسلام به ضرورت معاد و جزای اعمال پردازد. (صدوق، ۱۴۱۴ق: ۷۲ و ۷۳)

شرح تطبیقی مناسک و تبیین فرقان الاخبار

نویسنده مدخل پس از تبیین عقائد به شرح برخی مناسک، آداب و رسوم اهل حق و چگونگی انجام و شرائط آن پرداخت. در این راستا به اهمیت عبادت فردی در جمع‌خانه^۱ که به تعبیر ایشان «راه حل همه‌ی مشکلات در آنجا پیدا می‌شود» و برخی ویژگی‌های آن اشاره دارد که در فواصل زمانی معین و درباره‌ی کلیه رویدادهای مهم برگزار و کلام‌ها به همراه موسیقی دکلمه می‌شود. برخی مناسبت‌های باشکوه و جلسات ذکر برگزار می‌شود که با توجه به ویژگی‌های خاص آن دروایش با صدای موسیقی (ساز) به وجد آمده بیهوش می‌شوند و در حالت خلسه‌ای بر روی زغال‌های سوزان راه می‌روند. ویژگی‌های دیگر مانند خیرات و قربانی، نذر و نیاز (خیرات خام، ناپخته از جمله حیوانات جنس نر، گاو، گوسفند، خروس برای قربانی) یا خیر و خدمت (خواربار پخته یا آماده مانند شکر، نان و غیره) و چهارده نوع قربانی خوندار یا بی‌خون را برمی‌شمارد (Minorsky, 1985, vol1, p26) مراسمی که در منابع اهل حق نیز می‌توان آن را یافت. (صفی زاده، ۱۳۷۵: ۵۶۹) نکته مهم اینکه این مراسم را موجب احیا زندگی دوباره پیروان دانسته و از آن با اصطلاح «سبز نمودن یا سبز کردن یعنی جان دو باره بخشیدن» یاد می‌کنند. (Minorsky, 1985, vol1, p261)

در نگاه تطبیقی و مقایسه با دروایش، به نظام مرید و مرادی و سرسپاری در اهل حق اشاره دارد همان‌طور که هر درویش باید یک رهبر روحانی (مرشد) داشته باشد پس هر اهل حقی هم باید به یک پیر سپرده شود که مطابق با مطالب منابع اهل حق نیز می‌باشد. (جیحون آبادی، ۱۳۶۱ش ۱۹۸۹م: ۳۴) در ادامه چگونگی برگزاری آن را مطرح می‌کند که در جریان این مراسم (سر سپردن)، اشخاص نماد پنج فرشته، دور طفل می‌ایستند، برگزارکننده مهره‌ی

۱. به محل تجمع و گرد همایی مردم یارسان (اهل حق) و عبادت و نیایشگاه آنان اطلاق می‌شود.. 1.

مستقط (جوز بوا) را به جای سر می‌شکنند و بعد به عنوان طلسم، آن را با قطعه‌ای نقره به نام هویزه^۱ می‌پوشاند که حاکی از اقرار به ایمان در این مذهب است. البته با فلسفه و چرایی پیوند هسته‌ای بین یک مرد (یا چندین) مرد و یک زن را که خواهر و برادر نامیده می‌شوند اشاره دارد که برای رسیدن به کمال اخلاقی بوده و بنابر اقوالی این پیوند در روز رستاخیز شکل می‌گیرد. در پایان به چگونگی روزه گرفتن و تفاوت‌ها نیز اشاره دارد که ایزدی‌ها^۲ فقط سه روز در زمستان بعد از جشن می‌گیرند و هم‌چنین ضمن اشاره به اینکه در میان شاخه‌های این فرقه فقط شاخه آتش‌بیگی روزه نمی‌گیرند دلیل آن را اعتقادشان به نزدیکی ظهور و جشن گرفتن به جای روزه می‌داند. مؤلف پس از بیان مناسک اهل حق به شرح رساله اهل حق یعنی «فرقان الاخبار» می‌پردازد. نویسنده آن «حاجی نعمت‌الله جیحون‌آباد نزدیک دینور (۱۹۲۰-۱۸۷۱) بود که به شاخه خاموشی تعلق داشت و بر این باور بود که زمان آشکار شدن حقیقت واقعی رسیده است. پسرش نورعلی شاه (متولد ۱۸۹۵م/۱۳۱۳ق) زندگینامه پدرش و مقدمه‌ای بر فرقان را تحت عنوان کشف الحقایق به رشته تحریر درآورد. مینورسکی در تحلیل بیشتر به تفاوتها و پیامد برخی نکات فرقان اشاره دارد که با تأیید بخش عمده‌ای از موارد مشخص شده، سنتی را متفاوت از شاخه آتش‌بیگی بیان می‌کند با وجود آن که هیچ اشاره‌ای به دوره‌های «هفتگانه» نمی‌کند اما جایگاه ویژه خوانندگان و سلطان سحاک را حفظ می‌کند و در عین حال تعداد جلوه‌های کم‌اهمیت‌تر در آن افزایش می‌یابد. سپس به بخش‌های چهارگانه فرقان (۱. اصول بنیادی حقیقی، ۲. حلول روح خدا در انسان، ۳. نقل تجارب شخصی نعمت‌الله طی سفر خود به ماوراء و ۴. توصیف کامل مراسم و مناسک و دستورالعمل‌ها) می‌پردازد.

۱. هویزه از شهر شیعه‌نشین هویزه در خوزستان اقتباس شده است.

۲. ایزدی از واژه فارسی ایزد مشتق شده است که به معنی الهه یا رب‌النوع است. نام ایزدی، که ایزدی‌ها خود را به آن می‌نامند، به معنی «پرستندگان خدا» است. ایزدی همچنین معروف به یزیدی نام دینی پر رمز و راز است به پیروان آئین ایزدی، (ایزدیان) گفته می‌شود. به گفته پژوهشگران، کیش ایزدی در قرن چهاردهم میلادی در جنوب جلگه بین‌النهرین پدید آمده است. عقاید ایزدی‌ها تلفیقی از مذاهب گوناگون است که در این منطقه رواج داشته‌اند. اعتقاد به تناسخ و سیر تکاملی روح از طریق زایش‌های پی‌در پی و دمیده شدن در کالبد‌های پیاپی، ایزدی‌ها را با مسالک شرقی پیوند می‌دهد.

پراکندگی جغرافیایی و سیرتاریخ مذهبی

بررسی پراکندگی جغرافیایی و تبیین سیر تاریخ مذهبی اهل حق بخش دیگر مقاله مینورسکی است که به شکل مناسبی مطرح شد. وی مراکز اصلی حضور این فرقه را غرب ایران در لرستان، کردستان، آذربایجان، گروه‌های کوچک در همه جای ایران مانند همدان، تهران، مازندران، فارسی و خراسان می‌داند. در عراق نیز اهل حق در میان طایفه‌های کرد و ترکمن منطقه کرکوک، سلیمانیه و موصل وجود دارد. مؤلف در بیان تاریخ مذهبی ضمن اشاره به دوره‌های پنج‌گانه تاریخی اهل حق (دوره خواندگار، دوره علی علیه‌السلام، دوره خوشین، دوره سرزمین گوران و دوره آذربایجان) به شرح وقایع و رخداد‌های این دوره‌ها پرداخته است. اگرچه در ابتدا دستیابی به تاریخ‌های دقیق را دشوار می‌داند اما براساس گزارش منابع موجود به نکاتی چند اشاره دارد. وی در شرح زندگی «خان آتش» وی را متولد آجاری (شمال مراغه) در اوایل قرن هجدهم دانست که در آنجا زیست و سرانجام در روستای آتش بیگ در منطقه‌ی هشترود شمال شرقی کوه سهند به خاک سپرده شد. هفتمین نواده وی «سید عبدالعظیم میرزا» (آقابخش) نام داشت در جنوب بیستون زندگی می‌کرد و در آنجا «مان» او را ملاقات کرد در سال ۱۹۱۷ از دنیارفت و پسرش محمدحسن میرزا جانشین وی شد. با اشاره به شهرت اشعار ترکی «شاه اسماعیل صفوی» که خطبه نامه او را «پیر ترکستان» می‌نامد، گسترش آموزه‌های اهل حق در میان طوایق ترکمن به دوره‌های پیشین یعنی حکمرانان آق قویونلوها برمی‌گردد. بازماندگان این ترکمن‌ها که در منطقه‌ای در مرکز ماکو زندگی می‌کنند، پیرو مذهب اهل حق هستند. به همین ترتیب، در قفقاز جنوبی، قراقویونلوها در منطقه‌ی گنجه در نزدیکی گوران‌ها زندگی می‌کنند. «شاه ابراهیم»، که بسیاری از اهل حق او را جانشین «سلطان سحاک» می‌دانند در بغداد زندگی می‌کرد و فرشته‌ی همراهش کوشچی اوغلو بود. «شیخ محمود»، که پس از جنگ جهانی خود را «سلطان کردستان» نامید، ادعای کرد از نوادگان برادر «سلطان سحاک» در نسل دوازدهم است. (Minorsky, 1985, vol1, p261)

برخی تناقضات مقاله

باوجود نکات مثبت و تحلیلها و تطبیقهایی که مینورسکی در مقاله اهل حق ارائه نمود، اما این نوشتار خالی از برخی تناقضها نبوده که به مواردی چند اشاره می‌شود:

- مؤلف در ابتدای مقاله از یکطرف عنوان اهل حق را نام کاملی برای این فرقه نمی‌داند زیرا برای گروه‌های دیگر نیز به کار می‌رود و از طرفی در ادامه می‌نویسد با این حال به معنای دقیق، اهل حق نامی است که به درستی برای مؤسسان مذهب مورد بحث در مقاله حاضر داده شده است. به عبارتی بالاخره این نام یا شایسته این گروه هست یا نه، چگونه در یک جا آن را نام کاملی برای پیروانش می‌داند و در جایی دیگر ادعا دارد که نامی شایسته برای مؤسسان مذهب است و احتمالاً این نکته به تحول در شناخت بهتر و کاملتر اهل حق توسط مینورسکی و یا تغییر نگاه او به پیروان این فرقه بر می‌گردد که به نظر دیدگاه اول مناسبتر است یعنی با بررسی جزئیات و منابع اهل حق، نام را مناسب یافت.
- وی اطلاعات درباره فرقه اهل حق را بدلیل محدودیت منابع که غالباً با گویش و درج اصطلاحات و واژگان انتزاعی است ناقص و دارای مشکل می‌داند، از طرفی در ادامه بررسی برخی مسائل این فرقه، یکی از مشکلات را مجموعه‌های بیشمار برای این فرقه و نداشتن وحدت رویه متعارفی می‌داند که در تعارض با محدودیت منابع ادعایی مؤلف می‌باشد که معلوم نیست دارای محدودیت منابع هستند یا بیشمار بودن و فراوانی آن.
- در بررسی ارتباطات میان فرقه اهل حق و دیگر فرقه‌ها از یکطرف قائل است اطلاعات چندانی درباره‌ی ارتباط بین اهل حق و فرقه‌های معروف به «علی‌اللهی» یا اصطلاحاتی مانند چراغ خاموش‌کن، خروس‌کشان و غیره در دست نیست و از طرفی دیگر آنها را با دروز و نصیرییه در پرستش علی (علیه السلام) یکسان می‌داند که به نوعی تداعی کننده علی‌اللهی بودن این فرقه است. همچنین آورده است که به هر حال، این واقعیت جالبی است که نفوذ مستقیم واعظین اهل حق در منطقه‌ی ذهاب را می‌توان در میان علویان

(قرل باش) دنبال کرد که به نوعی از مصادیق فرقه‌های علی‌اللهی به شمار می‌آیند. با وجود این تعارض‌ها و برخی ملاحظات که در نقد و بررسی گذشت، مقاله توانست تا حدودی تصویر مناسبی از عقائد، تاریخ مذهبی، آداب و مناسک و پراکندگی جغرافیایی فرقه اهل حق در خواننده ایجاد کند.

روش شناسی مینورسکی در مقاله اهل حق / علی‌اللهی EI2

موفقیت نسبی نویسنده در ارائه تصویری مناسب از فرقه اهل حق، همانطور که می‌تواند بدلیل اشراف نویسنده به منابع و اطلاعات کافی وی از این فرقه باشد، هم‌چنین می‌تواند به اتخاذ شیوه پژوهشی مناسب برای تدوین مقاله نیز برگردد. بررسی شاخص‌ها و ملاک‌های روش‌های پژوهشی نشان می‌دهد شیوه مینورسکی در تدوین مقاله اهل حق به روش پدیدارشناسی نزدیکتر است. در این روش شناخت کاملتر آموزه‌ها و تاریخ هر دین یا مذهب از راه شناخت عناصر ذهنی افراد باورمند به آن صورت می‌گیرد و نیاز به وجود ارتباط منطقی موضوع با زمان (گذشته و حال) و مکان خاص نیست بلکه آنچه در این روش اهمیت دارد، عناصر و مؤلفه‌های اصلی هر پدیده و آثاری است که آن پدیده می‌تواند بر فرد، جامعه یا بر دوره‌ای از تاریخ بر جای گذارد. در این روش پژوهشگر از یک سو به جای آنکه پیدایش هر پدیده را با رویدادهای تاریخی پیوند دهد، به مؤلفه‌های فکری و اعتقادی پدیده توجه میکند و از دیگر سو به جای اظهارنظر، تحلیل و ریشه‌یابی، آموزه‌های مذهبی را توصیف، و نقش آنها را در دستگاه اعتقادی مذهب بررسی میکند. به عبارتی دیگر مینورسکی روش پدیدارشناسی توصیفی (موحدیان عطار، ۱۳۸۰: ۳۳۱) را اتخاذ نموده و براساس آن به معرفی این فرقه پرداخته است.

پدیدارشناس در این روش به تبعیت از روش‌های علمی رایج در علوم تجربی و با احتراز از نظریه پردازی، به گزارش هرآنچه از دین یا مذهب روشن است، می‌پردازد. در این روش می‌توان دین مورد مطالعه را در مقطع خاص از تاریخش وصف کرد. تفاوت آن با روش تاریخی-توصیفی این است که در این روش پدیدارهای یک دین را در مقطع یا وضعیت خاصی

توصیف می‌کنند اما در روش تاریخی - توصیفی سیر تحولات دین در طول تاریخ یا مدت زمان معینی را شرح می‌دهند. براین اساس در روش پدیدارشناسی توصیفی، زمانمندی و سیلان تاریخی مورد توجه نیست، بلکه ظهور و بروز دین در هر وضعیت مد نظر است. مینورسکی در تبیین تاریخ مذهبی اهل حق که به دوره‌های پنج‌گانه آنها می‌پردازد وجه همت خود را بیان ویژگی برجسته‌ی هر دوره قرار می‌دهد تا مشخصه آن دوره به درستی تبیین گردد، اگرچه آن را در توالی زمانی قرار می‌دهد اما هدف او انطباق در سیر زمانی و برقرار ساختن ارتباطات و تحولاتش نیست. مجموع این قرائن نشان می‌دهد روشی که مینورسکی در تدوین مقاله به کار برده را می‌توان روش پدیدارشناسی - توصیفی دانست که موارد زیر را می‌توان از نمونه‌های بهره‌گیری از این روش در مقاله برشمرد؛

رویکرد هم‌گرایانه به جای انتقادی

مینورسکی در تبیین اصول اعتقادی اهل حق به جای اظهار نظر، خود را به مثابه یکی از باورمندان قرار داده به گزارش هر آنچه از این مذهب هویدا است می‌پردازد. تجلیات پیاپی الوهیت و حلول الهی، جدول جلوه‌های خداوند طبق دست‌نوشته‌های ساران‌دیام، انطباق چهار دوره‌ی اول با مراحل دانش دینی، تجلیات الوهی در ملائکه و اسامی و گونه‌های آن، معادشناسی و مسئله تناسخ از دیدگاه اهل حق و مناسک آنها از مهمترین نکاتی است که وی با رویکردی هم‌گرایانه به آنها اشاره دارد.

سیر تطور و دگرگونی

مؤلف برای فهم کاملتر در تبیین عقائد اهل حق، سیر تطور و دگرگونی را از مفاهیم کلان و مهم مانند خالق و جلوه‌های حلول او تا مسائل ریز و جزئی مانند اعمال فردی مورد بررسی قرار داده است. وی حلول را در آموزه‌های اهل حق اصل و مهم معرفی نموده به گونه‌ای که در عالم هستی از خالق تا مخلوق دائم در حلول و جلوه‌گری هستند و لذا هم به جلوه‌های پی‌درپی الوهیت در قالبهای مختلف ملائک و انسانها اشاره نموده و هم ۱۰۰ مرتبه نوبه نو

شدن انسانها و حلول روح خدایی در انسانها را برای تعیین تکلیف نهایی انسانها و دریافت پاداش اعمال لازم می‌داند.

وی با اصیل دانستن مناسک در این فرقه، به انواع و دگرگونی‌های آن مانند جلسات ذکر، خیرات، قربانی، نذر و نیاز یا خیر و خدمت و انواع آن پرداخته است. مسئله سرسپردگی و لزوم سپرده شدن هر اهل حقی به یک پیر نیز به نظر مؤلف در سیر همان اصل مریدی و نیاز هر درویش به یک رهبر روحانی در اهل حق است.

آموزه های اهل حق و جامعه

مؤلف در راستای کارکرد آموزه‌های اهل حق، تقسیم موجودات براساس عنصر اصلی خود به دو رده ۱- نجات یافتگان و نورانی‌ها و ۲- موجودات آتش و تاریکی را مطرح نموده که می‌توان در رویکرد و عملکرد انسانها در جامعه و تلاش آنها برای رفتن در گروه سعادت‌مندان تأثیر گذار باشد. مینورسکی مهمترین کارکرد یا بازتاب اجتماعی این مذهب را امیدآفرینی در طبقات پائین جامعه نسبت به مجازات سلاطین در روز قیامت دانسته از این رو این مذهب با پذیرش و استقبال چادرنشینان، روستاییان، ساکنان محله‌های فقیرتر، دراویش و غیره واقع شده است. کارکرد دیگر آیین اهل حق از نظرگاه مینورسکی، ایجاد زمینه برای شور و نشاط در جامعه به دلیل حضور شخصیت‌های کاملاً محبوب با جایگاه بالایشان در میان مریدان و سرسپردگان نشان است. این موارد نشانگر استفاده از روش پدیدارشناسی از سوی مؤلف در این مقاله است.

نتیجه‌گیری

فرقه اهل حق از فرقه‌های باطنی و غالیانه که پیروانی در ایران دارد و با توجه به برخی عقائدشان مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. ولادیمیر مینورسکی به معرفی این فرقه در دائرة المعارف اسلام لیدن (E12) پرداخته و برای ارائه تصویری مناسب، ضمن بررسی تحلیلی انتقادی اصول اعتقادی این فرقه، به شرح تطبیقی مناسک، تبیین فرقان الاخبار، پراکندگی

جغرافیایی و سیرتاریخ مذهبی این فرقه پرداخته است. با وجود برخی نکات مثبت و تحلیلها، مقاله خالی از اشکالات نبوده از جمله می‌توان به برخی تناقض‌گویی‌ها در وجه تسمیه این فرقه، برآورد میزان منابع آن و بررسی ارتباطات میان پیروان این فرقه و دیگر فرقه‌ها اشاره داشت. مؤلف در بررسی این فرقه از شیوه «پدیدارشناسی» بهره برده و با رویکرد هم‌گرایانه به جای رویکرد انتقادی تاریخی، تطور دگرگونی اعتقادی این فرقه و کارکردهای آموزه‌های دینی آن را مورد بررسی خود قرار داده و به نظر می‌رسد تصویری مطابق با گزارش‌های منابع از این فرقه ارائه نموده است.

منابع

۱. ابوالبشری، پیمان وهادی وکیلی؛ اندیشه هندو و بودایی تناسخ در اهل حق (یارسان)؛ معرفت ادیان؛ ش ۱۹ تابستان ۱۳۹۳.
۲. اورنگ، مراد؛ کتاب دینی اهل حق؛ نشریه ارمغان؛ شماره ۸؛ سال ۱۳۵۶.
۳. آزادی، علی محمد، آشنایی با عقاید و آداب و رسوم دینی اهل حق در استان کرمانشاه، کرمانشاه: مؤسسه فرهنگی، هنری و سینمایی کوثر، چاپ دوم: ۱۳۸۲، ص ۲۴.
۴. توسلی مزدک و لاجوردی فاطمه؛ اسطوره های بنیادین در بارو یارسان (اهل حق)؛ پژوهشنامه ادیان؛ شماره ۲۸؛ پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
۵. ثواقب، جهانبخش و معصومه هادی و محمدرضا صفری؛ ملاحظاتی انتقادی در باب نگرش سیاحان خارجی دوره ی قاجار به آیین یارسان؛ پژوهش های ایران شناسی، پائیز و زمستان ۱۳۹۶ ش.
۶. جمعی از نویسندگان؛ دایره المعارف تشیع مدخل اهل حق؛ تهران: نشر شهید محبی؛ ج ۲؛ ۱۳۷۵ ش.
۷. جیحون آبادی، نعمت الله بن بهرام، حق الحقایق، یا، شاهنامه حقیقت (تاریخ منظوم بزرگان اهل حق)؛ تهران: طهوری؛ ۱۳۶۱=م ۱۹۸۲
۸. چهاردهی، نورالدین؛ اسرار فرق خاکسار؛ تهران: پیک فرهنگ؛ ۱۳۶۹ ش.
۹. خدا بنده، عبدالله؛ شناخت فرقه اهل حق؛ تهران: امیرکبیر؛ ۱۳۸۴ ش.
۱۰. خواجه الدین تبریزی، محمدعلی؛ سرسپردگان تاریخ و شرح عقاید دینی اهل حق؛ بی نا؛ ۱۳۴۹.
۱۱. دهقان، مصطفی؛ برخی منابع مطالعه اهل حق؛ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا؛ دی و بهمن ۱۳۸۲؛ ش ۷۵-۷۶.
۱۲. رستمی منصور و دیگران؛ تبیین و بررسی ارکان و سیر تکامل انسان از نگاه آیین یارسان (اهل حق)؛ مطالعات قران و حدیث سفینه؛ ش ۷۳ زمستان ۱۴۰۰.

۱۳. رستمی، منصور؛ ریشه‌یابی منشأ مبانی بنیادین آیین یارسان در فرق اسلامی؛ پژوهش‌های ایران شناسی؛ ش ۱ بهار و تابستان ۱۴۰۱.
۱۴. روحانی نژاد، حسین؛ اهل حق در آینه حقیقت؛ نشریه کتاب نقد؛ شماره ۳۹؛ تابستان ۱۳۸۵.
۱۵. سلطانی، مصطفی و جواد لطفی؛ جریان‌های نوظهور آیین یارسان (اهل حق): خوانشی انتقادی؛ شیعه پژوهی؛ ش ۲۱ پاییز و زمستان ۱۴۰۰.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی؛ الاعتقادات الامامیه؛ قم: کنگره شیخ مفید؛ ۱۴۱۴ق.
۱۷. صفری، نعمت‌الله؛ غالیان کاوشی در جریان‌ها و برایندها؛ مشهد: آستان قدس رضوی؛ سوم ۱۳۹۱.
۱۸. صفی زاده، صدیق؛ نامه سرانجام: کلام خزانه یکی از متون کهن یارسان (اهل حق)؛ تهران: هیرمند؛ ۱۳۷۵ش.
۱۹. صفی زاده، صدیق (الف)؛ نوشته‌های پراکنده درباره یارسان: اهل حق؛ تهران: عطائی؛ ۱۳۶۱.
۲۰. صفی زاده، صدیق (ب)؛ بزرگان یارسان: اهل حق؛ تهران: موسسه مطبوعاتی عطائی؛ ۱۳۶۱.
۲۱. صفی زاده، صدیق؛ اهل حق (شرح حال و زندگانی رهبران، پیران و مشاهیر فرقه یارسان اهل حق)؛ تهران: حروفیه؛ ۱۳۸۷ش.
۲۲. طبیبی، حشمت‌الله؛ اهل حق؛ نشر به وحید؛ شماره ۸۱، شهریور ۱۳۴۹ش.
۲۳. قاضی، مجید؛ آئین اندرز و رمز یاری؛ بی نا؛ ۱۳۶۲ش.
۲۴. کرین بروک، فیلیپ و سیدسعید رضا؛ یزیدیان و اهل حق کردستان؛ هفت آسمان؛ تابستان ۱۳۸۸ شماره ۴۲.
۲۵. کرین بروک، فیلیپ؛ سه نحله یزیدی، اهل حق و علوی در کردستان؛ ترجمه مصطفی دهقان؛ معارف؛ ش ۶؛ آذر- اسفند ۱۳۸۲.
۲۶. محمدی، محمد؛ پژوهشی دقیق در اهل حق: تاریخچه، عقاید، فقه؛ تهران: پازینه؛ ۱۳۸۴ش.
۲۷. مسلمی زاده، محبوبه؛ بررسی و تحلیل آیین فرقه اهل حق؛ معرفت ادیان؛ ش ۲۰ پاییز ۱۳۹۳.

۲۸. معرفت فرجی و مسلم کریم زادگان؛ ژئوپلتیک فرهنگی: تحلیلی بر فرقه اهل حق؛ پژوهش ملل، ش ۴۵ شهریور ۱۳۹۸.

۲۹. منظمی، اردشیر؛ پژوهش نامه مذاهب اسلامی، خاستگاه و جایگاه مسلک آتش بیگی، ش ۱۲ پائیز و زمستان ۱۳۹۸.

۳۰. موحدیان عطار، علی؛ معرفی کتاب رهنمای الوهی در تشیع نخستین (ثمره کاربست روش پدیدار شناسی در باب امامیه نخستین)، هفت آسمان، ش ۹ و ۱۰.

31. Minorsky, AHL-LHAKK in the Encyclopedia of Islam, vol1.